

معرفی دو اثر کلامی از قرن ششم

سیدعلی حسنی *

قرنهای پنجم و ششم هجری در تاریخ تشیع، دو قرن بسیار مهم و تأثیرگذار بر دوران پس از خودند. در این دو قرن، علم‌رغم فشارهایی که از طرف حکام و خلفای بنی‌عباس بر شیعه وارد شده، تشیع رشد و گسترش بسیار یافت. شیعیان اثنا عشری به هنگام حکومت علویان و آل‌بویه قدرت و عظمتی یافتند و دانشمندان و فقیهان و عالمان و شاعران بنام از میان آنان برخاستند، لکن چون غزنویان بر روی کار آمدند با آنها با کمال خشونت و سختی رفتار کردند.^۱ غزنویان در هر شکل و صورتی به مبارزه با تشیع برخاستند. سلطان محمود به یکی از عمال خود درباره آمدنش به عراق عجم می‌نویسد:

به عراق آمدن نه به مقصود ولایت گرفتن عراق بود که من پیوسته در هندوستان به غزا کردن مشغول بودم ولیکن از بس نوشته‌های مسلمانان که متواتر به من همی رسید که دیلمیان در عراق فساد و ظلم و بدعت آشکار کردند و یاران رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را آشکارا لعنت کنند، این مهم را بر غزات هند اختیار کردم و رو به عراق آوردم و لشکر ترک را که همه مسلمانان پاکیزه‌اند و حنفی بر دیلمیان و زنادقه و باطنی گماشتم تا تخم ایشان بگسستم، بعضی به شمشیر ایشان کشته شدند و بعضی گرفتار بند و زندان گشتند و بعضی در جهان آواره شدند^۲

این کلام سلطان محمود به روشنی بیان‌کننده وضعیت شیعیان در دوره غزنویان است. این وضعیت اختصاص به بغداد و عراق نیز نداشت، بلکه سلطان محمود در سال ۴۲۰ هجری به ری حمله کرد و کتابخانه عظیمی را به آتش کشید؛ چرا که کتب باطنیان در آن فراوان بود. این کتابخانه یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها در این عصر بود که بنا به گفته یاقوت،

* فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد در رشته دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

فهرست کتب موجود در آن ده‌ها مجلد می‌شد. هنگامی که سلطان محمود بدین شهرها آمد، بدو گفته شد که این کتابها کتب روافض و اهل بدعت است. سلطان نیز هرچه کتاب در علم کلام بود بیرون آورد و آتش زد.^۳

در آغاز دولت سلجوقی نیز افق زندگی هنوز برای شیعه همچنان تاریک می‌نمود. سلاطین حنفی مذهب سلجوقی با زخم شمشیر و کشتار مخالفان و خوار کردن پیروان دیگر مذاهب، سیاست مذهبی خود را جامه عمل پوشاندند. راوندی که خود حنفی مذهب است، در کتاب «راحة الصدور وآية السرور» در تاریخ سلجوقیان به این مسئله تصریح می‌کند و می‌گوید:

بحمدالله پشت اسلام قوی است و اصحاب ابوحنیفه شادان و نازان‌اند. شمشیر در دست ترکان است و سهم شمشیر ایشان در دلها راسخ و سلاطین آل سلجوق - رحم الله الماضین منهم وابقی الباقین - چندان تربیت علمای اصحاب ابوحنیفه کردند که اثر صحبت ایشان در دل پیر و جوان مانده است.^۴

در واقع باید گفت در کنار آشفتنگیهای سیاسی و شرایط بد اجتماعی، آشفتنگیهای دینی و مذهبی در دوره سلجوقی بر جامعه حکم فرما شد و تعداد متعصبان نیز فزونی گرفت. حتی برخی از کسانی که به این دوره با دید تسامح می‌نگرند بر آن‌اند که در این دوره بنای فروپاشی تمدن اسلامی نهاده شد و تعصب و سختگیری جایگزین آزادی فکر و اندیشه گشت.^۵ در این میان، شیعیان به طور عام و اثناعشریه به طور خاص با مشکلات بسیاری روبه‌رو بودند و دشواریها و محنتهای بسیاری را متحمل شدند. این‌کثیر در این باره می‌نویسد: پس از سقوط ملک‌الرحیم روافض ملزم شدند تا شاعر حی علی خیر العمل را در اذان ترک گویند و در اذان صبح ندای الصلاة خیر من النوم، سر دهند. شعارهایی هم که بر در مساجد شیعه زده شده بود، مانند محمد و علی خیر البشر و من ابی فقد کفر، از بین برده شد و شاعران و مداحانی از باب البصره (مرکز ثقل سنیان متعصب) به محله کرخ می‌آمدند و قصایدی در مدح صحابه می‌خواندند، در این زمان رئیس الروسای بغداد حکم کرد تا ابو عبدالله جلاب، شیخ روافض، را در جلوی دکانش به قتل رساندند و خانه شیخ طوسی را غارت کردند.^۶

در سال ۴۶۵ق میان اهالی باب البصره و محله کرخ درگیری رخ داد و اهل سنت محله کرخ را به آتش کشیدند.^۷

این حوادث گوشه‌هایی از محنتهایی بود که شیعه در این دوران به خود دیده است. با این‌همه ما شاهد گسترش شیعه در این عصر هستیم و این به سبب سیاستها و فداکاریهایی بوده که بزرگان و اندیشمندان و مدافعان کیان شیعی و شیعیان واقعی در این دوران به کار گرفتند، در اینجا به بعضی از این سیاستها اشاره می‌کنیم:

۱. شیعه امامیه تلاش داشت از بروز هرگونه درگیری با سلاجقه که به نابودی آنها می‌انجامید خودداری کند، زیرا در صورت درگیری نمی‌توانست به اهداف اصولی و درازمدت خود جامعه عمل ببوشاند.

۲. شیعه با تربیت عناصر ورزیده فرهنگی تلاش داشت که در ساختار دولت سلجوقی، آن هم در سطوح بالای حاکمیت آنان، مشارکت فعالانه داشته باشد، زیرا در آن صورت قدرت لازم برای تحقق دیگر اهداف خود را می‌یافت. وزارت تنی چند از شیعیان در حکومت‌های عباسیان و سلجوقیان، مانند هبة‌الله محمدبن‌علی، وزیر المستظهر، سعدالملک آوجی، وزیر محمد بن ملک‌شاه و شرف‌الدین انوشیروان خالداکاشانی، وزیر المسترشد و محمودبن‌ملکشاه گواه بارز این مدعاست.

۳. شیعه با اقدامات گسترده فرهنگی سعی داشت هویت مذهبی و فرهنگی خود را به عنوان یک نمونه برتر در جامعه ثابت کند. مناظرات با اهل‌تسنن، منقب‌خوانی و مجالس وعظ و تعزیت برای امام حسین (علیه‌السلام) و نگارش تفسیرهای گوناگون، همه در این مسیر بود.^۸ از جمله اقدامات فرهنگی شیعه در این عصر، تبیین و ترویج عقاید شیعی به طور مستدل و متقن است. در این زمینه کتب و مقالات فراوانی به رشته تألیف درآمد. اما علی‌رغم اینکه در حوادث تاریخ بسیاری از آنها از بین رفته‌اند و از گزند زمان مصون نمانده‌اند، ما اکنون به بعضی از این کتب و رساله‌ها دسترسی داریم که منابعی فخیم و ارزشمند برای کلام شیعی به حساب می‌آیند.

در این مقاله درصدد معرفی اجمالی دو اثر گران‌سنگی هستیم که در قرن ششم هجری تألیف شده و از گزند حوادث مصون مانده‌اند و امروزه در دسترس ما قرار دارند. این دو اثر تا یک دهه پیش از این تقریباً از دسترس عموم به دور بوده‌اند، اما با تلاش بسیار ارزشمند و دقیق دانشمند بزرگوار، سیدمحمدرضا حسینی‌جلالی، احیا شده و به چاپ رسیده‌اند. معرفی ما از این دو اثر نیز براساس همین چاپ است.^۹

اولین اثر رساله‌ای به نام *عجالة المعرفة في اصول الدين*، تألیف محمدبن سعیدبن هبة‌الله الراوندی است. در مورد نگارش اثر، شیخ منتجب‌الدین در فهرستش چنین آورده است:

محمدبن سعیدبن هبة‌الله الراوندی الشیخ الامام ظهیرالدین

ابوالفضل... فقیه ثقة عدل، عین.^{۱۰}

مؤلف منتسب به راوند، یکی از نواحی کاشان است. در تاریخ شاهدیم که علمای بسیاری از این خانواده بزرگ تقدیم اسلام و مسلمین شده‌اند. راوندیه‌ای مشهور در تاریخ به

دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای سادات که جد آنها ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی است و دسته دیگر عاتله قطب راوندی‌اند که پدر مؤلف رساله است.^{۱۱} اما رساله *عجالة المعرفة في اصول الدين*، رساله‌ای در علم کلام است که به صورت مختصر به مباحث کلامی پرداخته است. مصنف روش خاصی را در تألیف رساله در پیش گرفته است. وی اساس کار خویش را بر حاجت انسان به دیگری نهاده است. نقطه شروع و اساس مباحث او بر اصل حاجت‌مندی انسان است. مؤلف به این نتیجه رسیده است که کمال‌طلبی که متضاد با حاجت‌مندی است، امری مطلوب برای هر انسان و برای همه قابل درک و فهم است. لذا لازم است که انسان از حد حاجت‌مندی که موجب نقص در اوست بگذرد و به کمال برسد.

مصنف بر این اساس، اصول مباحث خویش را بر اصل «کمال‌طلبی انسان» نهاده و در همه مباحث آن را دنبال کرده است. او اثبات صانع و وجوب وجود و غنای او را بر همین اساس به اثبات می‌رساند و در این باره می‌گوید:

مما ثبت ان المتغير محتاج والعالم بجميع اجزائه وتركيبه متغير فهو محتاج
والمحتاج لا بدله من محتاج اليه وهو صانعه ولما ثبت هذا فلا بد ان يكون هو
غنياً من كل وجه اذينا ان الحاجة علة لاثبات المحتاج اليه فهو بذاته مستغن
عن كل شيء فيكون واجب الوجود بذاته وكل شئ سواه محتاج اليه.^{۱۲}

مؤلف در باب اثبات نبوت هم به همین اصل تمسک می‌جوید و می‌گوید:
ان العبد لا يصل الى كماله ونجاته الا، اما بفعله (ای الله) كخلقه
او بعث الملائكة الى ما يحتاج اليه واغلامه بان كماله فيما هو؟ وهو
الكلام في النبوات.^{۱۳}

او در باب ضرورت امام و اصل امامت هم به اصل کمال‌طلبی تمسک می‌کند و می‌گوید:
اعلم ان الوصول الى الكمال والتمام لا يحصل الا بالنظام وذلك
لا يتم الا بوجود الامام فوجوده مقرب الى الطريق المفضى الى الكمال.^{۱۴}

از جمله خصوصیات دیگر این اثر، اختصار شدید آن است. با این حال، بر هر مسئله استدلال خاص آن آورده می‌شود و هیچ مسئله‌ای بدون استدلال بیان نمی‌گردد. از دیگر ویژگی‌های بارز این اثر، ارتباط مباحث و فصل‌های آن است. در واقع ایس اثر همانند بنای عظیمی است که اجزای آن به طور منطقی و صحیح بر روی هم سوار شده است و نمی‌توان هیچ جزئی از آن را مستقل از اجزای دیگر آن دید و به طور کامل فهم کرد.

مؤلف در این زمینه در آخر هر فصلی برای فصل بعد مقدمه‌چینی می‌کند و همین امر موجب می‌شود که خواننده به آسانی ارتباط منطقی مباحث را دریابد.

طهری

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

این رساله دارای یک مقدمه و چهار فصل است. فصل اول درباره اثبات صانع و اثبات صفات است. در فصل دوم به نبوت و مباحث پیرامونی پرداخته شده و فصل سوم به مسئله امامت به عنوان مکمل بحث اختصاص دارد. در فصل آخر نیز به مسئله عدل و معاد پرداخته شده است، در واقع مبحث عدل و معاد تمام‌کننده مبحث امامت‌اند؛ زیرا مصنف هدف اصلی از وجود امام را «حفظ نظام» می‌داند و معتقد است این امر بدون ثواب و عقاب محقق نمی‌شود؛ لذا باید «عدل» و «معاد»ی در کار باشد تا این امر تحقق پیدا کند. در نتیجه مؤلف در چند صفحه به طور خلاصه اصول اعتقادی شیعه (توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد) را به صورت روان و زیبا بیان می‌کند.

* * *

دومین اثر، *الخلاصه فی علم الکلام*، نوشته قطب‌الدین راوندی است. طبق گزارشی که آقای حسینی جلالی ارائه می‌کند، در بعضی از نسخ، کتاب با نام *الخلاصه فی اصول الدین* معرفی شد و در بعضی از نسخ هم به نام *الخلاصه فی علم الکلام* نامیده شده است. در بعضی از نسخه‌ها نامی از مؤلف نیامده، ولی در بعضی دیگر این نوشته از تصنیفات قطب‌الدین سبزواری شمرده شده است. اما اینکه قطب‌الدین سبزواری چه کسی است، جای بحث و تأمل دارد. به نظر محقق و مصحح کتاب، مراد از قطب‌الدین سبزواری، محمدبن محمدبن‌الکازری است که از علمای قرن ششم هجری است.^{۱۵}

اما درباره خصوصیات خود اثر باید گفت، به طور کلی تکیه مؤلف در هر مسئله استدلال عقلی است و در سرتاسر کتاب مسئله‌ای نمی‌توان یافت که در آن به ادله غیرعقلی تمسک شده باشد، مگر اینکه مسئله از جمله مواردی باشد که عقل را بدان راهی نباشد؛ مانند آنچه در قبر و قیامت برای انسان اتفاق می‌افتد که از دسترس عقول بشری به دور است. در این‌گونه موارد به دلیل نقلی اعتماد شده است.

مؤلف در ضمن هشت فصل به اساسی‌ترین مسائل اصول دین پرداخته است. وی در اولین قدم به لزوم تفکر و تأمل در این‌گونه مسائل می‌پردازد و بحث و نظر را در این‌گونه مسائل لازم می‌شمرد و خط بطلان بر دیدگاهی می‌کشد که قائل است منبع و مصدر مسائل عقایدی نقل و تعبد به آن است؛ عقیده‌ای که منجر به رکود فکری و سلب آزادی اعتقادی انسان می‌گردد. مؤلف این کار، اساسی محکم برای ساختمان اعتقادی‌ای که قرار است بنا کند، می‌نهد. عناوین مباحثی که مصنف در این اثر ارائه می‌کند بدین قرار است:

الباب الاول: في التوحيد وفيه فصول:

الفصل الاول: في اثبات وجوب النظر

الفصل الثاني: في اثبات ذاته تعالى

الفصل الثالث: في صفاته الثبوتية

الفصل الرابع: في صفاته السلبية

الباب الثاني: في العدل وفيه فصول:

الفصل الاول: في تعريف العدل

الفصل الثاني: في الاختيار

الفصل الثالث: في انه تعالى قادر على القبيح

الفصل الرابع: في انه تعالى لا يفعل القبيح

الفصل الخامس: في انه تعالى لا يريد القبيح

الفصل السادس: في ان الكافر مكلف كالمؤمن

الباب الثالث: في النبوة وفيه فصول:

الفصل الاول: في حسن بعثة الانبياء (عليهم السلام)

الفصل الثاني: في اثبات نبوة نبينا محمد (صلى الله عليه وآله)

الفصل الثالث: في صفاته (عليه السلام)

الفصل الرابع: كلام الله تعالى محدث

الفصل الخامس: في جواز النسخ

الباب الرابع: في الامامة وفيه فصول:

الفصل الاول: في اثبات وجوب الامام

الفصل الثاني: في صفات الامام

الفصل الثالث: في تعيين الامام

الفصل الرابع: في غيبته (عليه السلام)

الباب الخامس: في الوعد والوعيد

الباب السادس: في الآلام والاعراض

الباب السابع: في الآجال والارزاق والاسعار فيه فصول:

فصل في اجل الحيوان

فصل في الارزاق

فصل في الاسعار

طهر

سال چهارم - شماره ١٦ - زمستان ١٣٨٤

الباب الثامن: في احوال المكلفين بعد الموت وفيه فصول:

الفصل الاول: في سؤال القبر

الفصل الثاني: في الاعادة

الفصل الثالث: في الشفاعة

الفصل الرابع: في عدم التكليف في الآخرة

از مطالعه این دو اثر فخیم به دست می‌آید دیدگاههایی که امروزه پیرامون این‌گونه مسائل اعتقادی مطرح است، با آراییی که در قرن ششم پیرامون این مسائل و مباحث مطرح بوده، تفاوت چندانی ندارد. و این از اتصال و تداوم عقاید شیعی در طی قرون متمادی حکایت می‌کند. این امر نشان از تلاشهای طاقت‌فرسایی دارد که علما و دانشمندان شیعی در طی قرون متمادی متحمل آن شده‌اند تا توانسته‌اند عقاید اسلامی شیعی را آن‌چنان که در قرون اولیه مطرح بوده صیانت کنند و به ما منتقل سازند. امیدواریم ما نیز بتوانیم این میراث گرانبهای شیعی را چنان که شایسته است صیانت کنیم و به آیندگان بسپاریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشتها:

۱. ر.ک. طبرسی و مجمع البیان، دکتر حسین کریمان، ج ۱، ص ۱۰۴.
۲. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۳۷۵ - ۳۷۴.
۳. معجم الابداء، ج ۲، ص ۳۱۵ و ج ۶ ص ۲۵۹۰؛ مجمل التواریخ، ص ۴۰۳، به نقل از: تاریخ تشیع در ایران، جعفریان، ج ۱، ص ۷۳.
۴. راحة الصدور، ص ۱۸، به نقل از: دولت سلجوقیان، احمد کمال الدین حلی، ص ۱۵۲.
۵. دولت سلجوقیان، احمد کمال الدین حلی، ص ۱۵۰.
۶. البداية و النهایة، ج ۱۲، ص ۶۹ ن.ک. الکامل، ج ۹، ص ۶۳۲ به نقل از: تاریخ تشیع در ایران، جعفریان، ج ۱، ص ۳۸۶.
۷. همان، ج ۱، ص ۳۸۷.
۸. دولت سلجوقیان، احمد کمال الدین حلی، ص ۱۶۳.
۹. متن این دو اثر در مجله تراثنا شماره ۲۹، صص ۲۴۰ - ۲۲۲ و شماره ۳۴، صص ۲۲۶ - ۱۷۰ به تحقیق و تصحیح حسینی جلالی به چاپ رسیده است.
۱۰. فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم، ص ۱۷۲، رقم ۴۱۸؛ ن.ک. امل الآمل، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۲۷۴، رقم ۸۰۷؛ فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، ص ۵۳۸؛ الثقات العیون، للطهرانی، ص ۲۶۵، به نقل از: مجله تراثنا، شماره ۲۹، ص ۲۰۲.
۱۱. مجله تراثنا، شماره ۲۹، ص ۲۰۳.
۱۲. همان، ص ۲۲۳.
۱۳. همان، ص ۲۲۷.
۱۴. همان، ص ۲۳۱.
۱۵. همان، شماره ۳۴، حسینی جلالی، صص ۱۴۵ - ۱۳۷. و مطالعات فریبنجی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، انتشارات انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۲. دولت سلجوقیان، احمد کمال الدین حلی، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۳. طبرسی و مجمع البیان، دکتر حسین کریمان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
۴. فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی.
۵. مجله تراثنا، شماره های ۲۹ و ۳۴.

طهری

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴